



mph.sdcongress.ir

هشتمین همایش بین‌المللی مدیریت، روانشناسی و علوم انسانی با رویکرد توسعه پایدار

8th International Conference on Management, Psychology & Humanities with sustainable development approach



بررسی میزان آگاهی والدین و مدرسه بر خصوصیات اجتماعی در میان نوجوانان

مهدیه ملکی صدقی^۱ اعظم مرادی نوروزی^۲

دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه تبریز^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه تبریز^۲

ایمیل: drconf@yahoo.com

چکیده

در این مقاله میزان آگاهی والدین و مدرسه بر خصوصیات اجتماعی در میان نوجوانان مورد بررسی قرار گرفت، برای این کار این خلاء پژوهشی، این مطالعه بررسی کرد که چگونه عوامل والدینی برای نمونه، کنترل رفتاری، پشتیبانی، رابطه‌ی والدین-فرزند، و کنترل روان‌شناختی و عوامل مدرسه‌ای رابطه‌ی آموزگار-دانش‌آموز و رابطه‌ی دانش‌آموز-دانش‌آموز بر خصوصیات منشی نوجوانان در حوزه‌های "خوش‌رفتاری"، "خودانضباطی و پیروی از قانون" از منظرهای فرزند و والدین تأثیر می‌گذارند. ما از داده‌های تحقیق پیمایشی گردآوری‌شده از ۳۸۱ نوجوان (میانگین سنی $13/70 \pm 1/6$ سال؛ ۱۵۶ دختر) و ۱۱۲ پدر و مادر (میانگین سنی $42/60 \pm 7/43$ سال؛ ۱۱۳ مادر) استفاده کردیم. مدل‌سازی معادلات ساختاری اثرات مثبت معنی‌داری از عوامل والدینی مثبت و عوامل رابطه‌ای در مدرسه بر خصوصیات منشی کودکان آشکار کرد. با وجود این، کنترل روان‌شناختی به عنوان شاخص فرزندپروری منفی نقش یک پیش‌بینی‌کننده‌ی منفی از خصوصیات منشی نوجوانان را ایفا نکرد. این یافته‌ها بر تأثیر منحصر به فرد عوامل والدینی و مدرسه‌ای گوناگون بر رشد منش در میان نوجوانان پرتو افکند. یافته‌ها همچنین دلالت بر اهمیت ترویج دارایی‌های بوم‌شناختی در خانواده و مدرسه از طریق آموزش والدین و آموزگار در آموزش کارآمد منش دلالت دارد، که برای فرزندان و رشد سالم نوجوانان مهم و حیاتی است.

کلیدواژه‌ها: منش، تأثیر اجتماعی، دارایی‌های بوم‌شناختی، فرزندپروری، رشد جوانی

مقدمه

و کم‌تر تحت تأثیر عوامل یادگیری و زیست‌محیطی قرار می‌گیرند، در حالی که منش به عنوان کارکردهای عالی‌تری قلمداد می‌شود که به وسیله‌ی خلق‌وخو جهت داده می‌شود و طی هستی‌زایی توأم با یک دستاورد عمده از تأثیرات یادگیری و اجتماعی فردی رشد می‌یابد. به لحاظ تاریخی، «شخصیت» و «خلق‌وخو» به عنوان مفاهیمی «خنثی» از نظر اخلاقی در نظر گرفته شده‌اند و به کانون توجه مطالعات شخصیتی تبدیل شدند در حالی که از مفهوم شخصیت برای توصیف خصوصیات شخصیتی دارای ارزش اخلاقی (یا مثبت) استفاده می‌شود و از زمان شکل‌گیری روان‌شناسی مثبت‌نگر توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. با توجه به سرشت مثبت منش، دیگر اصطلاحات مانند فضیلت، منش اخلاقی، خصوصیت اخلاقی، و توانمندی منش، نیز هنگام

در پرتو مسائل در حال گسترش سلامت روانی در میان نوجوانان [1]، چند دهه‌ی گذشته شاهد یک تأکید فزاینده بر اهمیت ترویج دادن رشد سالم جوانان بوده است. رشد خصوصیات منشی، به عنوان شاخص مهمی از کارکرد جوانان سالم، به‌طور نزدیکی با یک کیفیت بهتر از زندگی که دارای شاخص‌های نرخ ابتلای روان‌شناختی پایین‌تر، مسائل عاطفی و رفتاری کم‌تر، درگیری و توفیق بهتر در مدرسه، و رضایت از زندگی و شادمانی است، مرتبط می‌باشد. منش و خلق‌وخو به عنوان دو مولفه‌ی عمده از شخصیت در توصیف تفاوت‌های فردی از نظر روش اندیشیدن، احساس کردن و رفتار کردن، پنداشته شده‌اند. خلق‌وخو ویژگی‌هایی را منعکس می‌کند که پاسخ‌های رفتاری خودکار را پیکربندی می‌کند که عمدتاً بر اساس عوامل زیست‌شناختی تعیین می‌شوند



mph.sdcongress.ir

هشتمین همایش بین‌المللی مدیریت، روانشناسی و علوم انسانی با رویکرد توسعه پایدار

8th International Conference on Management, Psychology & Humanities with sustainable development approach



از جمله روابط دلسوزانه، فضاهای فرهنگی، و یک جامعه‌ی پشتیبانی‌کننده در یک گونه از بافت بوم‌شناختی اخلاقی» در میان عوامل اجتماعی گوناگون، عوامل خانوادگی و مرتبط با مدرسه به‌طور ویژه‌ای درخور توجه هستند. نارواژ و لاپسلی اظهار داشتند که «مراقبان، معمولاً والدین، دارای تأثیر فراوانی بر رشد اخلاقی هستند» استدلال می‌شود که نخستین گام از رشد اخلاقی، مواجهه و درونی‌سازی ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی است، مانند نگرش‌ها و معیارهای رفتاری که از دیگران در بافت‌های اجتماعی الگوبرداری می‌شوند. خانواده بافت اجتماعی اصلی است جایی که والدین نه تنها هنجارها، معیارها و ارزش‌هایی را مبادله می‌کنند بلکه آن‌ها را در کردارهای فرزندپروری روزانه تقویت می‌کنند، مانند پشتیبانی، مراقبت، گفت‌وگو، انضباط، بازجویی (پرسش و پاسخ)، تأکید، و تنبیه در عین حال، کودک الگوهای اجتماعی عاطفی در تعاملات والدین فرزندان رویه‌ای را در حافظه‌ی خودسرگذشتگی خویش تلفیق می‌کند، که بر پایه‌ی آن فرزند انتظارات عمومی برای زندگی اجتماعی را شکل می‌دهد و بازنمایی‌های اخلاقی از زندگی ایجاد می‌کند. برای نمونه، کودکان بر پایه‌ی پاسخ‌های مهرآمیز همیشگی و مراقبت از جانب والدین و نیز وابستگی امن به والدین می‌آموزند که از دیگران مراقبت کنند و به آنان توجه نمایند به‌طور کلی، انتظار می‌رود که فرزندپروری مثبت منجر به یک فرایند جامعه‌پذیری موفقیت‌آمیز شود که این امر را تسهیل می‌کند که فرزندان هنجارهای اخلاقی را درونی سازی کنند و یک حس اخلاقی درباره‌ی این‌که چه چیز راست است و چه چیز نادرست، پدید آورند. در مقابل، فرزندپروری منفی (برای نمونه، بیش‌محافظتی، رد (طرد) و غیره) به‌طور محتمل‌تری مانع از فرایند درونی‌سازی و رشد اخلاقی در فرزندان می‌شود [7,8,9].

روش‌ها

شرکت‌کنندگان و رویه‌ها

در سال ۱۳۹۹، پروژه‌ای با عنوان «ایجاد منش_مأموریتی مشترک برای آینده‌ای بهتر در کلینیک مشاوره در تبریز اجرا شد تا شکل‌گیری خصوصیات منشی و دیگر توانش‌های روان‌شناختی در میان دانش‌آموزان دبیرستانی را دریابد. این پروژه داده‌هایی را از دانش‌آموزان، آموزگاران و والدین از چند جنبه گردآوری کرد، مانند خصوصیات منشی نوجوانان، رفتارهای جامعه‌پسند، فرزندپروری، رابطه در مدرسه، و بهزیستی نوجوانی. طی گردآوری داده‌ها، همه

اشاره به خصوصیات شخصیتی مثبت مورد استفاده قرار می‌گیرند [3,4,5].

به‌ویژه، چهارچوب‌های گوناگونی برای مفهوم‌سازی منش پیشنهاد شده‌اند. برای نمونه، نه خصوصیت اخلاقی کلیدی برای هویت اخلاقی یک فرد مهم قلمداد شدند، از جمله «مهربانی»، «همدردی»، «مراقبت»، «دوستی»، «سخاوت»، «سودمندی»، «انصاف»، «سخت‌کوشی» و «صداقت». این فهرست توسط هاردی و همکاران پُر بارتر شد و شامل ۲۰ خصوصیت منشی شد، از جمله «سخاوت»، «احترام»، «وفاداری»، «مسئولیت‌پذیری»، و «ملاحظه». بر پایه‌ی دیدگاه‌های روان‌شناسی مثبت‌نگر، پیترسون و سلیگمن طبقه‌بندی «ارزش‌ها در عمل» را پیشنهاد کردند که شامل شش فضیلت بود که بر پایه‌ی ۲۴ توانمندی منشی استوار بودند، و بدین وسیله چهارچوب جامعی از خصوصیات منشی را که دارای ارزش جهانی هستند، خلاصه کردند. به‌رغم اصطلاحات گوناگون (برای نمونه، فضیلت، منش اخلاقی، توانمندی منش، و غیره) مورد استفاده در این مفهوم‌سازی‌ها، یک اتفاق نظر آن است که خصوصیات منشی، خصوصیات شخصیتی دارای ارزش اخلاقی هستند. آن‌ها انگیزه و رفتار مناسب را با یک نگرانی و دغدغه برای خیر و منفعت دیگران و جامعه هدایت می‌کنند، امری که به‌طور ذاتی زمینه‌ساز خوشبختی و زندگی مطلوب است و حتی سازنده‌ی آن‌ها است [6].

با توجه به اهمیت خصوصیات منشی در رشد نوجوانی، یک پرسشی که درخور بررسی است آن است که چه عواملی منجر به شکل‌گیری و رشد خصوصیات منشی در نوجوانان می‌شود. چهارچوب نظام‌های رشدی بر این امر تأکید می‌کند که خصوصیات فردی به‌وسیله‌ی تعاملات میان کودک و محیط‌های زندگی او، مانند خانواده، مدرسه، جامعه و فرهنگ، در سطوح گوناگون شکل داده می‌شود.

بر اساس این دیدگاه، خصوصیات منشی به عنوان خصوصیات شخصیتی مثبت در معرض تأثیر روابط نظام‌مند میان کودکان و جهان اجتماعی‌شان هستند. برای نمونه، پارک پنج عامل پیشنهاد کرد که ممکن است منجر به شکل‌گیری و رشد منش در میان کودکان و نوجوانان شوند. این عوامل شامل زیست‌شناختی، الگوهای مثبت، سبک‌های فرزندپروری، روابط نزدیک با دوستان و اعضای خانواده، و نهادهای مثبت دیگر هستند، که در این میان چهار عامل پایانی بیانگر تأثیر اجتماعی در طبیعت هستند. به طریقی مشابه، نارواژ و لاپسلی اشاره کردند که «منش اخلاقی» به‌وسیله‌ی چندین سطح از تأثیر اجتماعی شکل داده می‌شود،



mph.sdcongress.ir

هشتمین همایش بین‌المللی مدیریت، روانشناسی و علوم انسانی با رویکرد توسعه پایدار

8th International Conference on Management, Psychology & Humanities with sustainable development approach



و در بافت شهری از نظر اخلاقی دارای ارزش قلمداد می‌شوند. پاسخ‌دهندگان خصوصیات منشی خود را از طریق بیان میزان برخورداری آنان از هر خصوصیت بر اساس یک مقیاس ۵ نمره‌ای (۱=«خیلی مانند من نیست»، ۵=«بسیار مانند من است») ارزیابی کردند. تحلیل عاملی اکتشافی (EFA) و تحلیل عاملی تأییدی (CFA)، هر کدام با استفاده از یکی از دو نیم‌نمونه، دلالت بر یک ساختار سه‌بعدی از این فقره‌ها داشتند. بُعد نخست شامل ۱۰ خصوصیت منشی مربوط به «خوش‌برخوردی/خوش‌رفتاری» (برای نمونه، «دوست»، «سخت‌مند»، «کم‌حال» و «هم‌درد») بودند. بعد دوم به «خودانضباطی و پیروی از قانون» اشاره داشتند، از جمله هشت خصوصیت همچون «سخت‌کوش»، «صادق و راستگو»، «پایبند به قانون» و «خودانضباط». بعد پایانی شامل هفت «فضیلت سنتی» بود، مانند «ادب»، «وفاداری»، «احترام برای کهنسالان». جزئیات ابعاد مقیاس در جای دیگری تشریح شده است (۱۰). در این مطالعه، هر دوی ضرایب آلفای کرونباخ و ضریب امگای مک دونالد (یعنی ۰/۸۹-۰/۸۳) دلالت بر همسانی درونی بسنده برای سه ابعاد یادشده داشتند.

برنامه تحلیل داده‌ها

تحلیل‌های مقدماتی انجام شدند تا نرمال بودن چندمتغیره‌ی فقره‌های مشاهده‌شده در مقیاس‌های کلیدی (خصوصیات منشی، عوامل والدینی، و عوامل رابطه‌ای در مدرسه)، ابعاد هر خرده مقیاس، اثرات خوشه‌ای متغیرها، و سوگیری‌های روش مشترک بررسی شود. نتایج دلالت بر آن داشتند که همه‌ی فقره‌ها به‌طور نرمالی توزیع شدند چنان‌که مقادیر مطلق چولگی و کشیدگی بهترتیب پایین‌تر از دو و هفت بودند. بنابراین، برآورد درست‌نمایی بیشینه (ML) در تحلیل‌های بعدی به‌کار گرفته شدند. CFA دلالت بر یک ساختار سه‌بعدی از خصوصیات منشی و یک ساختار تک‌بعدی از دیگر خرده‌مقیاس‌ها داشت. همبستگی درون‌کلاسی در سطح مدرسه (ICC) برای متغیرهای مرتبط و فقره‌های خصوصیات منشی، عوامل والدینی، و عوامل رابطه‌ای در مدرسه میان ۰/۰۰۱ تا ۰/۰۲۶ متغیر بود، امری که دلالت بر آن دارد که نسبت‌های بسیار پایین در پاسخ‌های دانش‌آموزان به این مقیاس‌ها قابل انتساب به اثرات خوشه‌ای در سطح مدرسه بودند. بنابراین، هیچ نیازی به استفاده از مدل‌سازی چندسطحی در مطالعه‌ی کنونی نبود. برای تشخیص آماری سوگیری‌های روش مشترک (CMB)، آزمون تک‌عاملی هارمن از طریق تحلیل عاملی اکتشافی انجام شد. آشکار شد که تنها ۲۳ درصد از واریانس در

ی شرکت‌کنندگان در جریان اصول ناشناسی، محرمانگی، مشارکت داوطلبانه و کناره‌گیری آزادانه قرار گرفتند. این مطالعه از داده‌های دانش‌آموزان بهره برد. تیم پژوهشی به‌طور تصادفی ۵ دبیرستان محلی را برای مشارکت در پروژه برگزید. آنگاه هر مدرسه‌ی شرکت‌کننده به‌طور تصادفی یک یا چند کلاس از دانش‌آموزان را برگزید و آنان را برای تکمیل یک پرسشنامه‌ی دانش‌آموزی که خصوصیات منشی و دیگر متغیرها را می‌سنجید، دعوت کرد. رضایت کتبی از مدرسه‌ها، دانش‌آموزان برگزیده، و والدین‌شان پیش از گردآوری داده‌ها کسب شد. طی گردآوری داده‌ها، به دانش‌آموزان زمان کافی داده شد تا به پرسشنامه‌ها در محیط کلاس درس‌شان با حضور مسئول پژوهش پاسخ دهند [10].

مجموعاً ۴۷۴ دانش‌آموز پرسشنامه را تکمیل کردند. در میان این شرکت‌کنندگان دانش‌آموز، ۴۶۸ تن از پایه‌ی هفتم تا پایه‌ی نهم و ۹۸۸ تن از پایه‌ی دهم تا دوازدهم بودند. میانگین سنی شرکت‌کنندگان دانش‌آموز برابر با ۱۴/۷۵ سال بود ($SD=1.6$) و ۳۷۱ دختر در آن حضور داشتند. اکثریت شرکت‌کنندگان اظهار کردند که در خانواده‌ی کامل زندگی می‌کنند ($n=765$, $72/2$ درصد) و بدون نابرخورداری اقتصادی خانوادگی ($n=765$, $70/3$ درصد). بر اساس داده‌هایی در سطح منطقه در سال ۲۰۱۶، ۱۷/۸ درصد از خانواده‌ها برخوردار از فرزند، خانواده‌های ناکاملی بودند (۳۹) و ۲۳/۱ درصد از فرزندان در خانواده‌های کم‌درآمد زندگی می‌کردند. این ارقام دلالت بر آن دارد که نمونه‌ی کنونی با خصوصیات مرتبط در جمعیت عمومی قابل قیاس بود.

ارزیابی

خصوصیات منشی به‌وسیله‌ی «مقیاس منش اخلاقی شخصی» اندازه‌گیری شدند که توسط تیم پژوهشی با ارجاع به مقیاس‌های کنونی منش تدوین شد. نخست، ۹ آیتم (مانند «مهربانی»، «هم‌دردی»، و «سودمندی») از فهرست خصوصیات اخلاقی آکوئینو و رید انتخاب شدند که برای هویت اخلاقی شخص مهم و کلیدی هستند. این مقیاس اعتبارسنجی شد و در فرهنگ کشور مورد استفاده قرار گرفت. دوم، ۱۰ آیتم (مانند «احترام گذاشتن به دیگران»، «از خود گذشتگی» و «خودانضباطی») از مقیاس ارزش‌های اخلاقی برگزیده شدند، که توسط چن تدوین شد و با موفقیت در دیگر پژوهش‌ها در بافت شهری استفاده شد. شش فقره‌ی پایانی (مانند «وفاداری»، «مسئولیت‌پذیری» و «بخشنده‌گی») از «پرسشنامه‌ی ارزش‌های شوارتز» برگرفته شدند

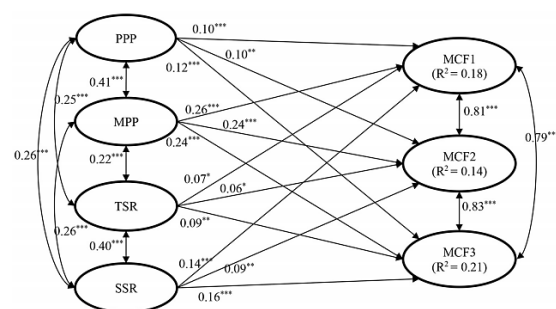
نتایج

نظریه‌های رشدی بر این باور استوار هستند که منش کودکان در درون بافت برهمکنش‌های اجتماعی میان کودک و محیط‌های پیرامونی، همچون والدین، همسالان، و آموزگاران، شکل می‌گیرد. مطالعه‌ی کنونی بر پایه‌ی این مفهوم، بر تأثیر اجتماعی بر رشد منش پیرامون دو بافت اجتماعی مهم خانواده و مدرسه متمرکز شد. به‌ویژه، ما بررسی کردیم که چگونه فرزندپروری مثبت و منفی (عوامل والدینی) و نیز روابط آموزگار-دانش‌آموز و دانش‌آموز-دانش‌آموز (عوامل رابطه‌ای در مدرسه)، خصوصیات منشی نوجوانان در میان دانش‌آموزان دبیرستانی را شکل می‌بخشد. ما از یک طراحی پرسشنامه‌ای (پیمایشی) استفاده کردیم که عوامل والدینی، عوامل مدرسه‌ای، و چند خصوصیت منشی نوجوانان را هم از منظر والدین اندازه‌گیری می‌کند.

نتایج حاصل از داده‌های فرزند از فرضیه‌ی ما پشتیبانی می‌کنند مبنی بر این که فرزندپروری مثبت هر دو والدین که به‌وسیله کنترل رفتاری، پشتیبانی و رابطه‌ی مطلوب میان والدین و فرزند شاخص‌گذاری می‌شود، دارای روابط مثبت معنی‌داری با خصوصیات منشی نوجوانان است. یافته‌ها بر پایه‌ی منظر والدین همچنین دلالت بر تأثیرات مثبت کنترل رفتاری و یک رابطه‌ی والدین-فرزند مطلوب بر رشد منش فرزندان دارد. این یافته‌ها همچنین مشاهدات انگایی و کریمی و همکاران را منعکس می‌کنند مبنی بر این که مراقبت والدین و سبک فرزندپروری تحکم‌آمیز به شکلی مثبت توانمندی‌های منشی نوجوانان همچون مهربانی، عشق، خودتنظیمی، و همیاری را پیش‌بینی کردند. فرزندان عموماً توسط والدین از طریق کردارهای فرزندپروری جامعه‌پذیر می‌شوند تا بیندیشند، عمل کنند، و با دیگران به شیوه‌هایی خاص تعامل کنند. بر همین اساس، رفتار فرزندپروری مثبت خودش ممکن است به عنوان یک راهنمای رفتاری برای فرزندان برای تقلید کردن و دنبال کردن عمل کند. برای نمونه، اگر کودکان توسط والدین مورد مراقبت و توجه قرار گیرند، آنان نیز ممکن است توجه نسبت به دیگران را نشان دهند. افزون بر این، فرزندپروری مهرآمیز و پشتیبانی‌کننده با قواعد سفت و سخت یک محیط پرورنده ایجاد می‌کند که به کودکان اجازه می‌دهد تا اهمیت ارزش‌ها و هنجارها را بهتر درک کنند و متعاقباً ضوابط اخلاقی را درونی‌سازی کنند و عادات اخلاقی را بپروانند. برای نمونه، کنترل رفتاری و پشتیبانی، خودتنظیمی در کردار روزانه و بحث‌های آزاد درباره‌ی قوانین و مسئولیت‌ها را در درون بافتی از پیوندهای عاطفی صمیمانه ترویج می‌دهند. روی هم

همه‌ی مقیاس‌های کلیدی به‌وسیله‌ی یک تک عامل تبیین شدند، امری که دلالت بر آن دارد که CMB یک مساله‌ی عمده نبود چون هیچ عامل عمومی منفردی کوواریانس (هم‌وردایی) عمده در میان مقیاس‌ها را تبیین نخواهد کرد.

مدل‌سازی معادلات ساختاری با استفاده از ۱۰Mplus انجام شد تا پیش‌بینی‌های فرضیه‌پردازی‌شده‌ی عوامل والدینی و مدرسه‌ای را بیازماید. «برآورد درست‌نمایی بیشینه‌ی اطلاعات کامل» که از همه‌ی داده‌های موجود مربوط به هر شرکت‌کننده استفاده می‌کند برای مقابله با هر مقدار گمشده در سطح متغیرها به‌کار گرفته شد.



شکل (۱) نتایج استانداردسازی‌شده‌ی مدل‌سازی معادلات ساختاری پیرامون روابط میان عوامل والدینی و مدرسه‌ای و منش اخلاقی نوجوانان در SEM، چهار پیش‌بینی‌کننده‌ی پنهان وجود داشت، شامل (۱) فرزندپروری مثبت پدرانه که به‌وسیله‌ی کنترل رفتاری پدرانه، پشتیبانی پدرانه، و رابطه‌ی پدر-فرزند تعیین می‌شود؛ (۲) فرزندپروری مثبت مادرانه که به‌وسیله‌ی کنترل رفتاری مادرانه، پشتیبانی مادرانه، و رابطه‌ی مادر-فرزند تعیین می‌شود؛ (۳) رابطه‌ی آموزگار دانش‌آموز که به‌وسیله‌ی چهار فقره‌ی اندازه‌گیری‌کننده تعیین می‌شود؛ و (۴) رابطه‌ی دانش‌آموز-دانش‌آموز که به‌وسیله‌ی چهار فقره‌ی اندازه‌گیری‌کننده‌ی مربوط تعیین می‌شود. سه بعد از خصوصیت منشی (یعنی «خوش‌رفتاری»، «انضباط و پیروی از قانون» و «فضیلت‌های سنتی») سه متغیر وابسته‌ی پنهان بودند که به‌وسیله‌ی فقره‌های اندازه‌گیری‌کننده‌ی مربوط تعیین می‌شدند. متغیرهای کنترل در مدل مربوط گنجانده شدند. برازش مدل مطلق به‌وسیله‌ی «شاخص برازش تطبیق»، «شاخص برازش غیرهنجارمند»، «خطای برآورد ریشه‌ی میانگین مربعات» و «ریشه‌ی میانگین مربعات باقیمانده‌ی استانداردسازی‌شده» تعیین خواهند شد. مقادیر بالاتر از ۰/۹۰ برای NNFI و CFI، همراه با یک مقدار پایین‌تر از ۰/۰۸ برای RMSEA و SRMR، دلالت بر بسندگی برازش مدل داشتند.



mph.sdcongress.ir

هشتمین همایش بین‌المللی مدیریت، روانشناسی و علوم انسانی با رویکرد توسعه پایدار

8th International Conference on
Management, Psychology & Humanities with sustainable development approach



10.1016/S1054-139X(02)00495-0

9. Lerner RM, Callina KS. The study of character development: Towards tests of a relational developmental systems model. *Human Dev.* (2014) 57:322–46. doi: 10.1159/000368784

10. Narvaez D. Human flourishing and moral development: Cognitive and neurobiological perspectives of virtue development. In: Nucci LP, Narvaez D, editors. *Handbook of Moral and Character Education (1st ed.)*. Oxford: Routledge (2008). p. 310–27.

رفته، رفتارهای فرزندپروری مثبت قطعات تشکیل‌دهنده‌ی سازنده‌ای برای رشد منش در میان فرزندان هستند.

مراجع

1. Zhou Z, Shek DTL, Zhu X, Lin L. The influence of moral character attributes on adolescent life satisfaction: the mediating role of responsible behavior. *Child Indic Res.* (2021) 14:1293–313. doi: 10.1007/s12187-020-09797-7
2. Cloninger CR, Svrakic DM, Przybeck TR. A psychobiological model of temperament and character. *Arch Gen Psychiatry.* (1993) 50:975–90. doi: 10.1001/archpsyc.1993.01820240059008
12. Friedman HS, Schustack MW. *Personality: Classic Theories and Modern Research (6th ed.)*. London: Pearson Education (2016).
3. Bajraktarov S, Novotni A, Arsova S, Gudeva-Nikovska D, and Vujovik V. (2017). Character and temperament dimensions in subjects with depressive disorder: impact of the affective state on their expression. *Open Access Macedonian J Med Sci* 5:64–7. doi: 10.3889/oamjms.2017.012
4. Sperandeo R, Maldonato M, Baldo G, Dell'Orco S. Executive functions, temperament and character traits: A quantitative analysis of the relationship between personality and prefrontal functions. In: *7th IEEE International Conference on Cognitive Infocommunications (CogInfoCom)*. Wroclaw (2016). doi: 10.1109/CogInfoCom.2016.7804522
5. Aquino K, Reed A. The self-importance of moral identity. *J Pers Soc Psychol.* (2002) 83:1423–40. doi: 10.1037/0022-3514.83.6.1423
6. Hardy SA, Walker LJ, Olsen JA, Woodbury RD, Hickman JR. Moral identity as moral ideal self: Links to adolescent outcomes. *Dev Psychol.* (2014) 50:45–57. doi: 10.1037/a0033598
7. Huta V, Ryan RM. Pursuing pleasure or virtue: The differential and overlapping well-being benefits of hedonic and eudaimonic motives. *J Happiness Stud.* (2010) 11:735–62. doi: 10.1007/s10902-009-9171-4
8. Lerner RM, Castellino DR. Contemporary developmental theory and adolescence: Developmental systems and applied developmental science. *J Adolesc Health.* (2002) 31:122–35. doi: